

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • فکس: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳



نقل قول

شورای فرهنگ عمومی نهادهای مختلف را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد

شورای فرهنگ عمومی با این نگاه شکل گرفته است که نهادهای مختلف را در کنار یکدیگر قرار دهد و درپاییم چگونه می‌توانیم میان حوزه‌هایی که برای کشور مهم است، مورد تأکید اسناد بالادستی قرار دارد و نسبت به آنها دغدغه داریم، هم‌افزایی ایجاد کنیم. در این راستا در موضوع ورزش همگانی پیشنهادهای می‌توان مطرح کرد؛ اول اینکه در موضوع ارتباطات بین‌دستگاهی، حداقل دستگاه‌های اصلی و مکمل ورزش همگانی را در یک مجموعه مشخص کرد هم بیاوریم. شورای فرهنگ عمومی با این نگاه شکل گرفته که دستگاه‌ها، سرمایه‌ها و ظرفیت‌های خود را روی هم بگذارند و از ترکیب آنها ارزش افزوده بیشتری ایجاد کنند.

سیدعباس صالحی، وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی در هشتصد و پنجاه و ششمین شورای فرهنگ عمومی کشور/ ایرنا

آیین اهدای ششمین نشان «سرو سیمین پارسی جان» برگزار شد

پاسداشت زبان فارسی در آئینه هنر، طنز و ویرایش



عکاس: روزایط عمومی خورده هنری

ادبیات پاسداری می‌کنند. «

او افزود: «سرو سیمین به‌صورت ماهانه به یک نفر اختصاص داده می‌شود تا از زحمات آنها در فضای فرهنگی و رسانه‌ای تقدیر شود. اگرچه این افراد نیازی به دیده شدن ندارند، اما ما این کار را ادای دین خودمان به افرادی می‌دانیم که زبان و ادبیات فارسی را پاس

می‌دارند. « فیض با اشاره به نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در صیانت از زبان فارسی اظهار کرد: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نهادهای است که باید به صیانت از زبان فارسی بپردازد و عملکرد این نهاد در ترویج و پاسداری از این زبان اثرگذار است. ما از کسانی که به زبان توجه دارند تقدیر می‌کنیم، چراکه ضربه‌پذیرترین بخش‌های یک فرهنگ، زبان آن است و ما هرچه داریم از همین زبان داریم. «

محمد معتمدی، خواننده موسیقی ایرانی و یکی از دریافت‌کنندگان نشان «سرو سیمین پارسی جان»، در ادامه این مراسم

گزارش

گروه فرهنگی

آیین اهدای ششمین نشان «سرو سیمین پارسی جان» روز گذشته به همت دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری برگزار شد و این نشان به محمد معتمدی، خواننده موسیقی ایرانی، امید مهدی‌نژاد، طنزپرداز و مدیر رویداد «من لهجه دارم» و محمد مهدی باقری، مدیر «مؤسسه ویراستاران» اهدا شد. در ابتدای این مراسم، ناصر فیضی، مدیر دفتر پاسداشت زبان فارسی، درباره فلسفه اهدای این نشان گفت: «این برنامه را برای تشویق افرادی که در حوزه زبان و ادبیات فعالیت می‌کنند، طراحی کرده‌ایم؛ کسانی که شاید وظیفه‌شان به‌طور مستقیم پاسداری از زبان فارسی نباشد، اما از

تصویری از آخرین اثر کریستوفر نولان

هبوط اودیسه به جهان لیبرال

سینمای جهان

نویسنده: گری روزن

مترجم: امیر فرشباغ

فیلم «اودیسه» کریستوفر نولان (۲۰۲۶)، از نگاه بسیاری از کلاسیک‌پژوهان، قهرمان اصلی هومری را از میان برده است. اودیستوس هومر شخصیتی زیرک، حیله‌گر، سرکش و استاد سخن بود؛ اما در روایت نولان به مردی جدی، گرفتار عذاب وجدان و فاقد پیچیدگی تبدیل شده است. منتقدان معتقدند فیلم نه از هوشمندی و شوخ‌طبعی اودیستوس هومری بهره برده و نه از جذابیت فریبکارانه او. حتی امیلی ویلسون، مترجم مشهور اودیسه، معتقد است شخصیتی که

گزارش سال «ایران» برنده جایزه رتبه اول چهارمین جشنواره «چراغ حقیقت»

چهارمین جشنواره روزنامه‌نگاری «چراغ حقیقت» که از سوی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برگزار شد، با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد.

در این مراسم که شامگاه سه‌شنبه ۲۷ مرداد برگزار شد، محمد رضا

عزیزی روزنامه نگار و دبیر گروه «ایران

زمین» روزنامه ایران در قسمت گزارش تحقیقی و پیکیرانه با گزارش «قاچاق در ۵ برداشت: سیستم زیرزمینی چگونه انسان، احشام و سوخت را پیرامون ایران جابه‌جا می‌کند» جایزه رتبه اول بخش گزارش پیکیرانه را کسب کرد.

این گزارش که در ویژه نامه ایران سال

۱۴۰۴ به‌عنوان گزارش سال روزنامه ایران منتشر شد به‌صورت میدانی و با پیگیری مبادی و مقاصد قاچاق، ورود و خروج غیرمجاز انسان، احشام، سوخت و کالا را در مرزهای شرقی، جنوبی و غربی کشورمان بررسی کرده است.

ارزش این تلاش‌ها را ندانند؟ من همیشه فکرمی‌کنم اگر روزی مسئولیتی داشته باشم، روی عزت‌نفس ملی تمرکزمی‌کنم، چراکه اگر عزت‌نفس ما ترمیم نشود، در حوزه ادبیات، سیاست بین‌الملل، اقتصاد و دیگر عرصه‌ها نیز بسیاری از مسائل اصلاح خواهد شد.»

معتمدی با تأکید بر اهمیت تقویت عزت‌نفس ملی ادامه داد: «عزت‌نفس، خطرناک‌ترین و ویرانگرترین چیزی است که جامعه ما را تهدید می‌کند و فکرمی‌کنم باید برای ترمیم و تقویت آن تلاش کنیم.»

او همچنین با بیان اینکه خود را شایسته دریافت این نشان نمی‌داند، گفت: «آدم‌های تأثیرگذارتر از من در حوزه ادبیات وجود دارند. با این حال، دریافت این نشان برای من ارزشمند است. بهانه «سرو سیمین

پارسی‌جان»، خدمت به زبان فارسی است. در ادامه این مراسم، میلاد عرفان‌پور، شاعرو رئیس مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، با اشاره به اهمیت نشان «سرو سیمین پارسی» گفت: «همین که نام مراسم، محمد مهدی نشان آمده، به آن ارزش می‌دهد. درست است که این نشان جنبه مادی و مالی ندارد، اما از بسیاری از نشان‌ها بالاتر است، چراکه بهانه اعطای آن، خدمت به زبان فارسی است.»

او با اشاره به فعالیت محمد معتمدی در حوزه موسیقی و ادبیات افزود: «در این سال‌ها بسیار دیده‌ام که خواننده‌های اثری را می‌خواند و حتی پس از پایان تولید، مفهوم آن را نمی‌داند. اما در این میان، خواننده فرهیخته‌ای چون محمد معتمدی با جان و دل با زبان فارسی نسبت دارد. ادبیات ما را می‌شناسد و به سراغ قطعات و اشعاری می‌رود که شاید کمتر کسی باور کند یک خواننده برای آواز به سراغ چنین شاعرانی برود.»

عرفان‌پور اظهار امیدواری کرد توقیفات معتمدی و آفرینش‌های او در عرصه موسیقی افزایش یابد و مطالبات او در فضای فرهنگی و حکمرانی حوزه موسیقی نیز به نتیجه برسد.

او تأکید کرد: «این موسیقی علمی و درست ماست که می‌تواند چنین باری را بر دوش بکشد و امیدوارم این خدمت به زبان فارسی تداوم داشته باشد.»

امید مهدی‌نژاد نیز در این مراسم گفت: «معتمد هم‌راستایی که در راستای تقویت، تحکیم و ترویج زبان فارسی رخ دهد، کاری ارزشمند و مبارک است و حوزه هنری هم از آغاز به موضوع پرداخته و با دفتر پاسداشت زبان فارسی بر این حوزه متمرکز شده است.» او درباره شکل‌گیری رسانه «من لهجه دارم» توضیح داد: «این رسانه کار خود را از سال ۱۴۰۰ آغاز کرد و مسأله‌اش هم این بود که به تنوع و رنگینی لهجه‌های مختلف زبان فارسی از زبان کسانی که به این لهجه‌ها و گویش‌ها تکلم دارند، بپردازد.»

مهدی‌نژاد افزود: «ما در این رسانه به نکات شیرین ضرب‌المثل‌ها و ماجراهای جالبی که به‌خاطر اختلاف لهجه‌ها ممکن است در

لهجه‌ها رخ دهد، متمرکز شده‌ایم.» او همچنین از این مراسم، محمد مهدی باقری، مدیر «مؤسسه ویراستاران»، درباره فعالیت‌های این مجموعه گفت: «از سال ۱۳۸۸ شروع کردیم؛ همان سالی که خیلی‌ها می‌گفتند باید از ایران رفت، اما ما تمام‌قد پای این کار ماندیم تا اثرگذار باشیم.»

او ادامه داد: «قصه فرهنگ را انتخاب کردیم که بنیادین است و زبان معیار را هم انتخاب کردیم که در کشور ما فراومش شده است. از سال ۱۳۸۸ تاکنون حدود ۷۰ میلیون واژه را ویرایش کرده‌ایم و در حوزه آموزش نیز در ۲۱ شهر ایران و دو شهر خارج از کشور دوره‌های آموزشی برگزار کرده‌ایم.» باقری در پایان با اشاره به ظرفیت‌های موجود در حوزه زبان فارسی اظهار کرد: «کارهای دل‌درگروان زبان و فرهنگ را بسیار بر زمین مانده در حوزه زبان فارسی بسیار زیاد است و امیدوارم با کمک همه کسانی که دل در گرو این زبان و فرهنگ دارند، نهادها قوی‌تر عمل کنند و باعث بالندگی در این حوزه شوند.»



گذشته جنگاورانه که سرانجام تلاش می‌کند زندگی شخصی خود را سامان دهد و از غرور و خشونت گذشته فاصله بگیرد! او شاید دیگر قهرمان کلاسیک هومری نباشد، اما به‌عنوان چهره‌ای اخلاقی که انتخاب‌های خود را بررسی می‌کند و از اشتباهاتش درس می‌گیرد، همچنان شخصیتی قابل‌باور است.



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

امام علی (ع):

فرصت، چون ابر می‌گذرد. پس، فرصت‌های کار خوب را غنیمت شمردید.

سخن‌روز

نهج البلاغة: الحکمة ۳۱



«تاکسی سواری»

«سروش صحت» سریال شد

«تاکسی» میکروسریال ۱۲ قسمتی جدیدی است که قرار است قصه‌های کوتاه و آدم‌های عجیب‌وغریب و آشنایان را صندلی‌های تاکسی به قاب تصویر بیاورد. این سریال اقتباسی است از «تاکسی سواری» سروش صحت؛ کتابی که بیش از ۵۰ بار تجدید چاپ شده است. پشت این پروژه، سه‌گانه‌ای است از سروش صحت نویسنده کتاب و فیلم‌نامه، مجید صالحی تهیه‌کننده و علی مصفا مشاور هنری ترکیبی که میکروفیکشن را از کاغذ به تصویر رسانده. «تاکسی» پاییز ۱۴۰۵ در شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود. **ایسنا**

تحلیل فرهنگی روز

رضائمی

دبیر گروه فرهنگی

به بهانه روز جهانی عکاس

وقتی همه عکاس‌اند

فتوژورنالیست چه می‌کند؟



عکاسی مطبوعاتی از همان ابتدا چیزی بیش از ثبت یک تصویر بوده است؛ تلاشی برای دیدن واقعیت در لحظه‌ای که هنوز به روایت تبدیل نشده. عکس مطبوعاتی قرار بوده سند باشد، شاهد باشد و گاهی حتی جای هزار کلمه بنشیند. اما امروز، در روزگاری که هر شهروندی با یک تلفن همراه دوربین‌دار می‌تواند در چند ثانیه تصویری را ثبت و منتشر کند، این پرسش جدی‌تر از همیشه مطرح است: وقتی انحصار ثبت تصویر از دست عکاس حرفه‌ای خارج شده، فتوژورنالیست چه جایگاهی دارد؟

پاسخ شاید در تقابل میان «عکس گرفتن» و «دیدن» باشد. شبکه‌های اجتماعی عکاسی را دموکراتیک کرده‌اند، اما لزوماً نگاه را دموکراتیک نکرده‌اند. امروز حجم عظیمی از تصاویر در گردش است؛ تصویری از جنگ، اعتراض، حادثه، فقر، زندگی روزمره، سیاست و حتی لحظه‌های خصوصی آدم‌ها. مسأله دیگر کمبود تصویر نیست، بلکه وفور تصویر است. ما با جهانی مواجهیم که در آن واقعیت پیش از آن‌که فهمیده شود، دیده می‌شود و پیش از آن‌که تحلیل شود، به تصویر درمی‌آید. در چنین شرایطی، کار فتوژورنالیست از «ثبت» به «انتخاب» و از «حضور» به «روایت» تغییر می‌کند. دوربین موبایل ممکن است لحظه‌ای را ثبت کند، اما فتوژورنالیست باید بداند چرا این لحظه اهمیت دارد، چه چیزی در قاب دیده نمی‌شود و این تصویر در کنار کدام تصویر یا متن معنا پیدا می‌کند. تفاوت اصلی، نه در ابزار، که در نوع نگاه و مسئولیت حرفه‌ای است.

شبکه‌های اجتماعی البته این موقعیت را پیچیده‌تر کرده‌اند. تصویر مطبوعاتی دیگر الزاماً از مسیر رسانه رسمی به مخاطب نمی‌رسد. ممکن است عکسی ابتدا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شود و بعد رسانه‌ها آن را بازنشر کنند. به این معنا، مرز میان «عکس خبری» و «عکس شهروندی» تا حد زیادی محو شده است. گاهی یک تصویر اتفاقی که با تلفن همراه ثبت شده، از صدها عکس حرفه‌ای تأثیرگذارتر است؛ چون صاحب دوربین درست در لحظه درست حضور داشته است. اما این وضعیت به معنای بی‌اعتبار شدن فتوژورنالیسم نیست؛ برعکس، در عصر تصویر، اهمیت آن بیشتر هم شده است. هرچه تصویر بیشتر می‌شود، نیاز به اعتبارسنجی، زمینه‌سازی و روایت بیشتر می‌شود. فتوژورنالیست امروز فقط عکاس نیست؛ بخشی از کار او تشخیص حقیقت تصویری از میان انبوه تصاویر جعلی، قدیمی، بریده‌شده یا خارج از زمینه است. او باید هم چشم عکاس داشته باشد و هم ذهن یک روزنامه‌نگار.

از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی منطق تازه‌ای بر تصویر تحمیل کرده‌اند: سرعت، جذابیت و قابلیت ویرال شدن. این منطق می‌تواند عکاسی مطبوعاتی را نیز تحت تأثیر قرار دهد و آن را به سمت تصویری‌های شوک‌آور، احساسی و کلیک‌خور سوق دهد. در اینجا یک خطر جدی وجود دارد: اینکه «تصویر مهم» با «تصویر پربازدید» اشتباه گرفته شود. هر عکسی که بیشترین بازدید را بگیرد، لزوماً همدندترین عکس نیست، بلکه تصویری است که حرفه‌ای در برابر این منطق باید از استقلال نگاه خود دفاع کند. وظیفه او تولید هیجان نیست؛ تولید شاهد است. عکس خوب مطبوعاتی الزاماً زیباترین یا تکان‌دهنده‌ترین عکس نیست، بلکه تصویری است که چیزی را درآرینه جهان به ما نشان می‌دهد که بدون آن شاید نمی‌دیدیم یا نمی‌فهمیدیم. از این منظر، بحران امروز فتوژورنالیسم بیشتر «مرجعیت» است تا «کارکرد». مخاطب دیگر به‌سادگی نمی‌داند کدام تصویر را باید باور کند. بنابراین ارزش عکاس حرفه‌ای در توانایی او برای ساختن اعتماد است. اعتبار او نه فقط از مهارت تکنیکی، بلکه از شناخت سوره، رعایت اخلاقی حرفه‌ای، شناخت زمینه و شفافیت در شیوه تولید و انتشار تصویر می‌آید. جهان امروز بیش از هر زمان دیگری بصری شده است، اما این به معنای آن نیست که جهان را بهتر می‌بینیم. ممکن است برعکس، در ازدحام تصاویر، کمتر ببینیم. وظیفه فتوژورنالیست معاصر شاید دقیقاً همین باشد: ایجاد مکث در این سیلاب تصویر. اینکه از میان هزاران فریم، یک قاب را انتخاب کند و به ما یادآوری کند که پشت هر تصویر، واقعیتی انسانی وجود دارد.

در نهایت، شبکه‌های اجتماعی جای فتوژورنالیست را نگرفته‌اند، بلکه تعریف تازه‌ای از او ساخته‌اند. فتوژورنالیست امروز دیگر تنها کسی نیست که در محل حادثه حضور دارد و شاتر می‌زند. او کسی است که در جهانی پر از تصویر، مسئولانه انتخاب می‌کند، زمینه می‌دهد، روایت می‌سازد و به مخاطب کمک می‌کند میان «دیدن» و «فهمیدن» فاصله‌ای را که روزبه‌روز کمتر می‌شود، دوباره تجربه کند. شاید در عصر همه‌گیر شدن دوربین، ارزشمندترین سرمایه عکاس نه دوربین، بلکه نگاه او باشد.